



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آلها الطاهرين سيدما بقية الله في الأرضين.

تبريك عرض ميکنم عید سعید مبعث را به شما حضار محترمی که اینجا تشریف دارید، به همهی ملت ایران، به همهی مسلمانان جهان و به همهی حق طلبان عالم که اگر ندای بعثت به گوش دل حق طلبان عالم برسد، قطعاً مஜذوب آن خواهند بود.

با محاسبه‌ای که انسان میکند این جور به دست می‌آید که بعثت نبی اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که خداوند متعال به مجموع بشریت عنایت کرده. هدایای الهی که خب «وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحصُّوْهَا»، (۲) اما هیچ نعمتی، هیچ هدیه‌ای به عظمت و وزانت بعثت نبی اکرم نیست. علت هم این است که بعثت حامل گنجینه‌هایی است برای بشر که این گنجینه‌ها تمام‌نشدنی است. بشر ممکن است از این گنجینه‌ها استفاده کند، ممکن است استفاده نکند لکن این گنجینه‌های عظیمی که بعثت برای بشریت آورده، در اختیار او است؛ این گنجینه‌ها میتواند سعادت بشر را در زندگی خودش، در همین زندگی دنیا – تا قبل از آخرت – تأمین کند. انسان با محاسبه میتواند به این مطلب برسد. حالا این گنجینه‌ها چه چیزهایی است؟

در درجه‌ی اول توحید. توحید، همان گنجینه‌ای است که هیچ چیزی به وزانت و اهمیت آن نمیرسد. چون عبودیت خدا بشر را از بردگی و بندگی دیگران خلاص میکند. گرفتاری بشر این است دیگر؛ گرفتاری بشر، اسیر بودن در چنگ دیگران است؛ در طول تاریخ هم همین بوده؛ این با بندگی خدا از بین میرود. اگر چنانچه انسان به معنای واقعی کلمه بندگی خدا باشد و به معنای واقعی کلمه به توحید که نفی عبودیت غیر خدا است تمسک کند، از بندگی دیگران خلاص میشود؛ و از این چیزهایی که در تاریخ دیده‌اید، شنیده‌اید؛ قتلها، ظلمها، کشتارها، جنگها و امثال اینها. این یکی از هدایای بعثت است.

تزکیه یک هدیه‌ی دیگر است. «يُرْكِيهِم» (۳) که در واقع تزکیه داروی رهایی بشر از فساد است. انواع فسادهای اخلاقی را تزکیه است که از جامعه‌ی بشری و از وجود بشر و از دل انسان میزداید و پاک میکند.

تعلیم کتاب یکی [دیگر] از هدایا است؛ و يَعْلَمُهُمُ الْكِتَاب؛ (۴) تعلیم کتاب یعنی زندگی را تحت اداره‌ی هدایت الهی قرار دادن. خدا که مالک و خالق و رب همهی اشیاء است، یک راهی را برای زندگی انسان معین کرده تا انسان این راه را ببرود؛ تعلیم کتاب این است. و حکمت: يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَة؛ (۵) یعنی جامعه با عقل، با حکمت، با خردمندی، با فرزانگی اداره بشود. ببینید، اینها همه هدیه‌ها و آورده‌های بعثت خاتم الانبیا است. البته بعضی از اینها یا بسیاری از اصول اینها به دیگر پیغمبران شبیه‌ند، شریکند، منتها خب این، نوع کامل آن است.

یک هدیه‌ی دیگر، که واقعاً گنجینه‌ای است و جزو گنجینه‌هایی است که در بعثت وجود دارد، تعلیم استقامت است که استقامت، راز و رمز رسیدن به مقصود است. شما هر مقصودی دارید – مقصود دنیوی، مقصود اخروی – با ایستادگی، با استقامت، با پیگیری ممکن است به آن برسید؛ بدون آن نمیشود به این رسید. فاستقم کما امرت و مَنْ تَابَ مَعَكَ؛ (۶) قرآن این [دستور] را به ما داده، بعثت این گنجینه را در اختیار ما گذاشته؛ یاد بگیریم و بدانیم باید چه کار بکنیم.



گنجینه‌ی بی‌نظیر قسط، عدالت بدون تبعیض، چه در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، چه در زمینه‌ی مسائل بشری و به طور کلی عدالت اجتماعی؛ این هم یکی از گنجینه‌هایی است که بعثت به ما داده. زندگی را با «قسط» مدیریت کنید. *لیقوم التاس بالقسط*؛ (۷) خود بشرط بتواند زندگی اش را با قسط اداره کند؛ اصلاً پیغمبرها آمده‌اند تا بشر را در این راه قرار بدهند، یادش بدهند.

یکی از گنجینه‌های بسیار مهمی که متأسفانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد، سخت بودن و غیر قابل نفوذ بودن در مقابل بدخواهان است. یکی از ضریب‌هایی که جوامع بشری می‌خورند، از ناحیه‌ی نفوذ دشمنانشان است، که این در آیه‌ی «أشدِاءُ عَلَى الْكَفَّارِ» وجود دارد. «أشدِاءُ» به معنای شدت عمل نیست. «أشدِاءُ» به این معنا که ما در فارسی [به آن] شدت عمل می‌گوییم، نیست؛ «أشدِاءُ» یعنی سخت بودن، محکم بودن، غیر قابل نفوذ بودن؛ این معنای «أشدِاءُ» است. *أشدِاءُ عَلَى الْكَفَّارِ*؛ نگذارید در جامعه‌ی شما نفوذ پیدا کنند. معنای نفوذ دشمن، نفوذ بیگانه و بدخواه این است که شما از خودتان اختیاری ندارید؛ او می‌آید و در جامعه‌ی شما، مثل انسان بی‌هوشی که هرچه می‌خواهد به او تزریق می‌کنند، تصرف می‌کند. شما می‌توانید با اختیار خودتان ارتباطات خوب، مرتب، منظم، منطقی، عاقلانه داشته باشید؛ این خوب است.

یا مهربانی و محبت و صفا و صمیمیت بین افراد جامعه. این «رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۸) هم یکی از همان گنجینه‌ها است، که زندگی در جامعه با رحم و مروت و مانند اینها [همراه باشد].

یا انسان از طغیانگران و اشرار عالم کناره بگیرد، با آنها همراهی نکند؛ *إِجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ*؛ (۹) که اجتناب از طاغوت در قرآن به ما تعلیم داده شده؛ این یکی از همان گنجینه‌ها است که همیشه می‌شود از آن استفاده کرد و زندگی را درست حرکت داد.

یا رها شدن از زنجیر جهل و تعصّب و جُمود و توقف و مانند اینها؛ و يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. (۱۰) هزاران گنجینه‌ی ممتاز از این قبیل در قرآن هست؛ در تعلیم اسلام هست، در بعثت هست؛ اینها را بعثت به ما داده و برای ما آورده.

بعضی از ما مسلمانها این گنجینه‌ها را اصلاً نمی‌شناسیم؛ بعضی از ما آن را انکار می‌کنیم، کفران می‌کنیم این هدیه‌های عظیم الهی را؛ بعضی از ما به آنها افتخار می‌کنیم منتها عمل نمی‌کنیم؛ این[جوری] است دیگر. نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این است که دنیای اسلام دچار تفرقه، دچار عقب‌ماندگی، دچار ضعف علمی و عملی می‌شود؛ نتیجه‌اش این است. در یک دوره‌ای مسلمانها با عمل کردن نصفه‌نیمه به این گنجینه‌های عظیم – نه عمل کردن کامل – توانستند بزرگ‌ترین تمدّتهای زمان خودشان را ایجاد کنند، تولید کنند؛ در قرن سوم و چهارم هجری [قمری]، در همه‌ی دنیا، روی کره‌ی زمین هیچ حکومتی، هیچ قدرتی، هیچ ملتی به پیشرفتگی امّت اسلامی نبود، وجود نداشت؛ با اینکه میدانیم آن وقت هم نصفه‌نیمه عمل می‌شد؛ افرادی که سر کار بودند، افراد درستی، افراد مطلوب و کاملی نبودند اما همان هم تأثیر داشت. ما می‌توانیم با رجوع به این گنجینه‌های هدیه‌شده‌ی از سوی بعثت به خودمان، ضعفهای دنیای اسلام را برطرف کنیم؛ چه آن گنجینه‌هایی که مربوط به معارف اسلامی است، چه آنها‌ی که مربوط به احکام اسلامی است، چه آنها‌ی که مربوط به اخلاق اسلامی است. این[جوری] است.

یک مورد مسئله‌ی فلسطین است که باز امروز یکی از مسائل مهم‌‌ما این مسئله است. یک ملت، یک کشور به طور کامل در قبضه‌ی انسانهای وحشی، خبیث، شرور – نه انسانهای عادی – قرار گرفته، دنیای اسلام هم نگاه می‌کند، تماشا می‌کند! یعنی واقعاً به ملت فلسطین در زمین خودشان، در خانه‌ی خودشان – آنها‌ی که حالا مانده‌اند و



اخراجشان نکرده‌اند – روزیه روز دارد ظلم می‌شود. جلوی چشم دنیای اسلام هر روز یک گوشه‌ای را خراب می‌کنند، یک شهرک صهیونیستی می‌سازند؛ این‌همه حکومتهای اسلامی با این ثروتی که در دنیای اسلام هست، با این توانایی‌هایی که در مجموع دنیای اسلام دارد، [دارند] نگاه می‌کنند و این دارد اتفاق می‌افتد؛ و سالهای متمنادی است که جلوی چشم همه‌ی عالم دارد این‌جور به یک ملتی ظلم می‌شود. این به خود دنیای اسلام هم ضربه زده؛ یعنی همین که دولتهای اسلامی و کشورهای اسلامی در مقابل یک چنین تجاوزی – که این تجاوز به خودشان هست، تجاوز به امت اسلامی است – سکوت کرده‌اند و در مواردی، بخصوص در این اواخر متأسفانه با آن همراهی کرده‌اند، این کشورها را هم تضعیف کرده، این وضعیت را برایشان پیش آورده و دشمن را بر اینها مسلط کرده.

امروز کشورهای پیشرفته‌ی دنیا، قدرتهای دنیا برای خودشان حق قائلند که در کشورهای اسلامی دخالت کنند؛ می‌آیند دخالت می‌کنند؛ آمریکا یک جور، فرانسه یک جور، آن یکی یک جور. در کشورهای اسلامی دخالت می‌کنند، برای خودشان [هم] برای این کار حق قائلند! در اداره‌ی کشورهای خودشان درمانده‌اند، مشکلات خودشان را در کشورهای خودشان نتوانسته‌اند حل کنند، می‌خواهند بیایند کشورهای اسلامی را تصرف کنند و به ادعای خودشان مشکلات اینها را حل کنند! خب این به همان معنای ضعف دنیای اسلام و ضعف دولتهای اسلامی به خاطر قضیه‌ی فلسطین است.

اگر در قضیه‌ی فلسطین از روز اول، دولتهای اسلامی محکم می‌ایستادند و مقاومت می‌کردند، قطعاً امروز وضع منطقه‌ی غرب آسیا، منطقه‌ی ما، وضع دیگری بود؛ امروز ما قدرتمدنتر بودیم، متحضر بودیم و از جهات گوناگون، امروز وضعمان بهتر بود. همان وقت خیرخواهان می‌گفتند، از جمله علمای بزرگ نجف. علمای بزرگ نجف در این قضیه‌ی فلسطین و غصب فلسطین و مانند اینها نامه‌ها نوشتند، اظهارات کردند، خطابه‌ها خواندند؛ و بعضی از عناصر دلسوز و کسانی که واقعاً دلسوز بودند. شاعر عرب شعری گفت:

لئن أضعمتم فلسطيناً فعيشكُ
طول الحياة مضاضاتٌ و علامٌ

راست گفته؛ اگر فلسطین را رها کنید، خودتان در طول زمانه دچار آلام و رنجها و مانند اینها خواهید بود. اگر از روز اول ما وارد می‌شیم [وضعمان بهتر بود].

حال امروز جمهوری اسلامی حرف دل مسلمانان مظلوم فلسطین را صريح و علنی بیان می‌کند. ما ملاحظه‌ی هیچ‌کس را نمی‌کنیم، حقیقت را با صدای بلند بیان می‌کنیم؛ از ملت فلسطین حمایت می‌کنیم، دفاع می‌کنیم، می‌گوییم هم که دفاع می‌کنیم؛ به هر طریقی بتوانیم از ملت فلسطین دفاع می‌کنیم. همین موجب شده دشمنان متمرکز بشوند و ایران‌هراسی راه بیندازند و آن کسانی که خودشان هم موظفند که لاقل به اندازه‌ی ما به فلسطین کمک کنند، با آنها هم‌صدا بشوند در مورد ایران‌هراسی.

رادحل همه‌ی این مشکلات، برگشت به اسلام است؛ اتحاد ملت‌های اسلامی، همدلی ملت‌های اسلامی، همکاری دولتهای اسلامی به معنای واقعی کلمه نه به شکل صوری؛ به معنای واقعی کلمه همکاری کنند، همدلی کنند؛ و همه‌ی اجزای امت اسلامی احتیاج دارند به اینکه با هم همکاری کنند. مشکلات پیش می‌آید. الان شما ملاحظه کنید این زلزله‌ی ویرانگری که در سوریه و در ترکیه پیش آمده، خب این یک حادثه‌ی سختی است؛ این مربوط به همه‌ی مسلمین است؛ یعنی واقعاً همه باید از یک چنین چیزهایی احساس درد کنند، احساس رنج کنند؛ منتهای این در مقابل مسائل سیاسی مثل مسئله‌ی فلسطین، مثل دولتهای آمریکا در کشورهای مختلف منطقه، در سوریه، در جاهای دیگر چیز کوچکی است، اما در عین حال حادثه‌ی مهمی است.



امیدواریم خدای متعال کمک کند، همه‌ی ما بتوانیم از بعثت به معنای واقعی کلمه استفاده کنیم و مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به معنای حقیقی کلمه عید دنیای اسلام و امت اسلامی قرار بدھیم؛ خداوند ما را در این راه یاری کند. درجات امام بزرگوار ما را که این راه را او به ما نشان داد، او ما را در این راه حرکت داد، عالی کند و شهدای گران‌قدر ما را با شهادی صدر اسلام ان شاء الله محشور کند.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی (رئیس جمهور) مطالبی بیان کرد.
- ۲) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۸؛ «و اگر نعمت‌های خدا را شماره کنید، آن را نمی‌توانید بشمارید ...»
- ۳) از جمله، سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴؛ «... پاکشان گرداند ...»
- ۴) از جمله، سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴؛ «... و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد ...»
- ۵) از جمله سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲؛ «(او است آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند) و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد ...»
- ۶) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] ...»
- ۷) سوره‌ی حديد، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «(براستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم) تا مردم به انصاف برخیزند ...»
- ۸) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربانند ...»
- ۹) از جمله، سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۳۶؛ «... از طاغوت بپرهیزید ...»
- ۱۰) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۷؛ «... و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است برمیدارد ...»